دکتر مصیب عباسی
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علی آباد کتول

بررسی تجارت مسلمین درمدیترانه از قرن دوم تا ششم هجری

چکیده

گسترش اسلام درحوضه مدیترانه درقرن اول هجری، زمینه تأسیس حکومت‌های اسلامی‌را دراین حوضه بوجود آورد. هریک از حکومت‌های اسلامی‌این حوضه طی قرون اول تا هفتم هجری با جلب نظر مردم وتحکیم پایه‌های حکومت، طی دوره حاکمیت در پیشرفت اقتصادی حوضه مدیترانه کوشابوده ودستاوردهای اقتصادی مهمی‌برجای نهادند. تأسیس بندر، احداث کارخانه کشتی سازی، انتظام امورکشاورزی وصنعتی واهتمام به تجارت وگسترش آن در سرزمین‌های اسلامی‌از ثمرات حاکمیت مسلمین درحوضه مدیترانه بوده است. دربین دولت‌های اسلامی، نقش فاطمیان وامویان اندلس به لحاظ قدرت، قدمت ومیزان تأثیرگذاری در تحولات اقتصادی، خصوصاً پیشرفت تجارت از سایرین بیشتر بوده است.بررسی وشناخت فعالیت بازرگانی مسلمین درحوضه مدیترانه هدف ومسئله مهم این مقاله است.

کلید واژه‌ها: *مدیترانه، تجارت، مسلمین*

مقدمه

نفوذ وگسترش اسلام در حوضه مدیترانه طی قرون اول ودوم هجری واستقرار مسلمین در این حوضه وبه تبع آن تأسیس دولت‌های اسلامی، زمینه فعالیت اقتصادی مسلمین رادرعرصه کشاورزی وصنعتی وبازرگانی بوجود آورد.

فعالیت اقتصادی مسلمین درحوضه مدیترانه درشش قرن اول هجری به اقتضای تحولات سیاسی دستخوش تغییروتحول گردید. عمده فعالیت مسلمین درقرون اول ودوم هجری به گسترش فتوح در این حوضه وتثبیت پایه‌های خلافت معطوف بوده است. تهاجمات

وتحریکات روم از یکسو وتنازعات داخلی برپایه تعصبات مذهبی وقومی‌از سوی دیگر، فرصت وزمینه فعالیت اقتصادی را به مخاطره افکند وبیشتر ایام به لشکرکشی وجنگ وستیز سپری گردیده است. اما با تثبیت قدرت وایجاد ثبات سیاسی در قرون سوم وچهارم هجری در این حوضه، رشد و پیشرفت اقتصادی مسلمین فزونی یافت ونبض فعالیت‌های اقتصادی حوضه مدیترانه از غرب به شرق و تاشرق دور دراختیار مسلمین قرار گرفت.

تجار اندلسی، شامی‌ومصری و گاه مغربی درقرون یاد شده نقش مؤثری در پیشرفت تجاری مسلمین در حوضه مدیترانه داشتند.برای درک بهتر وشناخت بیشتر از فعالیت تجاری مسلمین،فعالیت‌ها در سه محور تقسیم بندی شده است:

محور اول: فعالیت تجاری مسلمین درحوضه شرقی مدیترانه

محوردوم: تجارت مسلمین درحوضه غربی مدیترانه

محورسوم: فعالیت تجاری مسلمین در حوضه میانی وجنوبی مدیترانه

۱- فعالیت تجاری مسلمین درحوضه شرقی

باتوقف سیاست گسترش فتوح وجهانگشایی در قرن دوم هجری، عصراصلاحات وانتظامات و پیشرفت جامعه اسلامی درتمامی‌ابعاد آغاز گردید. گوستاولوبن معتقد است که مسلمین از قرن دوم هجری، تمام هم وتلاش خود را به ترفیعات تمدنی وعمران وآبادی معطوف داشتند. دورنمای فعالیت اقتصادی مسلمین در قرن دوم همانند قرن اول هجری است. اما با سقوط امویان و روی کار آمدن عباسیان وتوقف سیاست گسترش فتوح، چشم انداز تازه ای در فعالیت‌های اقتصادی مسلمین بوجود آمد. این فعالیت‌ها در حوضه مدیترانه عمدتاً در سه زمینه تجارت، زراعت وصناعت مورد توجه بوده است. اگرچه در دوره امویان به علت روحیه جنگ آوری به تاجر وتجارت توجه نگردید اما در دوره عباسیان، تجار نقش کلیدی دررشد وتوسعه اقتصادی واعتلاء تمدن اسلامی‌داشتند، تحولات بوجود آمده در بعد ساختار اداری وبهره گیری از تجربه واندیشه ایرانیان در اداره امور در قرن دوم وسوم هجری، توجه به جایگاه تجار دراقتصاد فزونی یافت، به گونه ای که می‌توان تاجر توانگر را در قرن چهارم هجری مظهر تمدن اسلامی‌دانست.[1]

درواقع نیازهای فراوان جامعه از لحاظ مادی زمینه این توجه وتفوق را فراهم ساخت[۲] وبازرگانان بعنوان یک طبقه در دوره عباسیان در رده بالای حاکمیت وخلافت قرار گرفتند.

این گروه در کل جهان در رفت وآمد بودند. کالاهای مورد نیاز غرب از شرق وکالاهای مورد نیاز شرق را از غرب تأمین می‌نمودند. سواحل شرقی مدیترانه که از شرایط بسیار مساعد در تولید محصولات کشاورزی ودامی‌وحتی صنایع دستی وصنعت کشتی سازی برخوردارد است مورد توجه گروه بازرگانان مسلمان وغیرمسلمان قرار گرفت چنانچه مقدسی در احسن التقاسیم از پرسودبودن بازرگانی در شام سخن به میان آورده است.[۳]

وی محصولاتی که در شام تولید وتوسط بازگانان مبادله گردید را ثبت نموده است.

جدول زیر باستناد گزارش وی از بازرگانان در شام تنظیم شده است.[٤]

محل تولید	نوع محصولات	منبع
فلسطین	روغن زیتون، قطین، مویز، خونوب، ملاحم، صابون، فوته	احسن التقاسیم، بخش ۱،ص ۲۵۳
عینون	مویز	احسن التقاسیم، بخش ۱،ص ۲۵۳
صغر	خرما، شیره، نیل، آینه، دیک قندیل، سوزن	احسن التقاسیم، بخش ۱،ص ۲۵۳
اریحا	نیل خوب	احسن التقاسیم، بخش ۱،ص ۲۵۳
بیسان	نیل وخرما وبرنج	احسن التقاسیم، بخش ۱،ص ۲۵۳
عمان	حبوب، گوسفند وعسل	احسن التقاسیم، بخش ۱،ص ۲۵۳
طبریه	قطعه‌های فرش، کاغذ، پارچه	احسن التقاسیم، بخش ۱،ص ۲۵۳
قدس	پارچه گلدوزی شده، العیسیه وتناب، مضقه، سبحه	احسن التقاسیم، بخش ۱،ص ۲۵۳
صور	شکر، مهره، شیشه‌های تراشیده	احسن التقاسیم، بخش ۱،ص ۲٥٤
ماب	مغز بادام	احسن التقاسیم، بخش ۱،ص ۲۵۳
دمشق	عصیر(مربا)، دیباج، روغن بنفشه پسته، فرآورده‌های مسین، گوز، کاغذ، بنشن ومویز، پنبه، پارچه، اشنان، مغره (خاک سرخ که بدان رنگ کنند) فرآورده‌های شیر	احسن التقاسیم، بخش ۱،ص ۲۵۳
بعلبک	پنبه،پارچه، اشنان ومغره	احسن التقاسیم، بخش ۱،ص ۲۵۳
رمله	بنشن، زیت (روغن) مصرفی، نان سفید، لنگ، مغنعه، قضم قریش وعنیونی، دوری، تریاق، ترذوغ	احسن التقاسیم، بخش ۱،ص ۲۵۳

افزون براین، مقدسی می‌گوید در خوره فلسطین سی و شش چیز(کالایا محـصول) بدسـت می‌آید که درجای دیگر فراهم نیاید.[۵] وی می‌نویسد هفـت نـوع نخـستین ایـن محـصولات در جایی دیگر یافت نمی‌شود، هفت نوع دوم در دیگر جاها کم است، بیست ودوتای دیگـر جـز در اینجا جملگی فراهم نیایند.[۶] جدول زیر معرف محصولاتی است که بنابرتوضیح مقدسـی در خوره فلسطین تولیـد وتوسـط بازرگانـان بـه بـازار فـروش در سـرزمین‌هـای اسلامی‌صـادر می‌گردد.درجدول ذیل طبق نظر مقدسی شهرها وقصبه‌هایی کـه درخـوره فلـسطین قـرار دارد مشخص گردیده است.[۷] سی وشش نوع محصول در این محلها بدست می‌آید.

قصبه فلسطین: رمله	شهرها: بیت المقـدس، بیـت جبریـل،غزه، میمـاس، عـسقلان، یافه،ارسـوف، قیـساریه، نـابلس، اریحـا، عمان
محصولات: هفت نوع نخستین: ۱- قضم قریش ۲- معنقه ۳- عینونی ٤- دوری ۵- انجیر ٦- کـافوری ۷- انجیرسباعی هفتای دوم: ۱- قلقاس، (گل شیپوری) ۲- جمیز(انجیرصحرایی)۳- خرنوب٤- عکوب(کنگر) ۵- عناب ٦- نیشکر ۷- سیب شامی بیست ودوتای آخر: خرما، زیتون،اترج (ترنج) نیل، راسن (بیلگوش)، نارنج، لفاح (دستنبو)، نبق (نبـک، کنار، سدر)، گوز(جوز)، بادام، هلیون (مارچوبه)، موز، سماق، کرنب (کلم)، کمان (کمه)، ترمس(باقلای مصری)، طری، یخ، شیرگاومیش، شهد، انگور عاصمی، انجیرخرمایی، قبیط، کاهو	

گروه بازرگانان که شمار آن در دوره طلایی تمدن اسلامی‌در عصر عباسیان خـصوصاً قـرن چهارم هجری بسیار زیاد است بیشتر در بغداد، بصره، شهرهای بزرگ اسـلامی‌اقامـت داشـتند. غالب تجار، ایرانی ورومی‌بودند وتجار عـرب مـسلمان بـه نـسبت سـایرتجار دارای جمعیت کمتری بودند البته این مسئله در همه ادوار یکسان نیست. در بین تجاری که در صـحرا ودریـا مشغول فعالیت اقتصادی بودند یهودیان بالاترین درجـه ومیـزان فعالیـت را دراختیـار داشـتند. جرجی زیدان می‌نویسد:

«بیشتر بازرگانان راه خشکی یهودیان رازانی بودند که برای انجـام معـاملات وداد وستد بسیاری از زبانهای معمول آن روز را (عربی،فارسی، فرنگی، اندلـسی، روسـی) آموخته و به تمام نقاط دنیای آن روز آمد وشد می‌کردند.[۸] »

به تناسب اقتدار خلافت وپیشرفت وتوسعه تمدن اسلامی، بازرگانان مسلمان ابتکار عمل درتجارت را دراختیار داشتند.ابوالفضل دمشقی در قرن پنجم هجری کتابی را تحت عنوان «الاشاره الی محاسن التجاره» تألیف نمود که حاوی مطالب بسیار مفید درباره فعالیت تجاری مسلمین است.آدام متزمعتقد است که بازرگانان ممالک اسلامی‌درقرن چهارم هجری از مظاهر ابهت اسلام بودند ملکه تجارت دنیا محسوب می‌شدند و در عالم مقام اول را داشتند وکاروان‌های مسلمین همه دریاها وصحراها را می‌نوردیدند. اسکندریه وبغداد دو مرکز تعیین نرخ، حداقل برای کالاهای تجملی بود.[۹]

آدام متز همانند جرجی زیدان به نقش فعال تجار یهود در قرن دوم وسوم هجری در مبادلات تجاری بین غرب وشرق ممالک اسلامی‌وحتی اروپایی اشاره نمود و حتی آنان را « تاجران دریا » نامیده است. تجار یهودی از فرنگ،خادم، غلام، کنیز، دیبا، خرنفیس، پوست گورخر، سمور، بارکرده از راه دریا به فرما درجنوب دریای مدیترانه آمده واین کالا را از فرما از طریق خشکی وکشتی صحرا (شتر) به دریای سرخ حمل می‌کردند. سپس از اینجا بوسیله کشتی به بنادر جده وجاره انتقال می‌دادند. از این دو بندر کالاهای یاد شده به سند وهند وچین صادر می‌گردید. تاجران یهودی در برگشت از چین، کالاهایی مانند مشک، عود، کافور ودارچین خریداری نموده و به فرما انتقال می‌دادند. در بعضی مواقع این گونه کالاها در قسطنطنیه به تجار رومی‌فروخته می‌شد. گاه گاهی در بازار اروپا به فروش می‌رسید. البته تجار یهودی فعالیت خود را محدود در یک مسیرتجاری غرب به شرق وبالعکس نکردند. اینان در کلیه مراکز تجاری وبازار فروش حضورداشتند. این گروه ازتجار یهود که مشهور به رهدانیه (رازانیه) بودند به زبان‌های متعدد روز کاملاً تسلط داشتند. متز در تحقیقات خود افزون بر مطالب مذکور می‌گوید از قرن چهارم به بعد ذکری از این گروه تجار یهودی نیست وتجار شامی‌زمام تجارت را بدست می‌گیرند.[۱۰]

تجار شامی‌تا قرون وسطی در حوضه رود رن سکونت گزیدند و با رشدتجارت مسلمین توانستند بیگانگان را ازدریاهای اسلامی‌بیرون نمایند. گستره فعالیت تجار شام در جهان اسلام مانند سایر تجار بوده است.کالاهایی را از شام به اندلس واروپا و یا از شام به چین صادر می‌کردند.شامی‌هاکالاهایی مانند میز،نیمکت، چراغ، ظروف سفالی، لوازم آشپزخانه، آبگینه صور وصیدا را که شهرت دیرین داشت به بازارهای بین المللی عرضه می‌کردند.[۱۱]

در نیمه سپتامبر هرسال بازار بزرگی در بیت المقدس برپا می‌گردید.تجار از ملل مختلف به این بازار می‌آمدند و بیشتر آنها در دمشق که محل تلاقی راههای معتبر بود گرد آمده و پس از انجام حج وزیارت پراکنده می‌شدند. این رفت وآمد، بازار دمشق را از کالاهای ملل مختلف پرکرده بود. شهرهای ساحلی شام به علت نزدیکی به دمشق، کالا و لوازم مورد نیاز خود را از این بازار در دمشق تهیه می‌کردند.[۱۲]

مسلمانان عرب که دولت‌های کوچکی درمغرب، مصر،اندلس وسیسیل تأسیس کرده واسطه بازرگانی آسیا واروپا بودند.[۱۳] در قصرهای قیروان وقرطبه وپالرمو نیز کالاهای آسیا مصرف می‌شد. توسعه ورونق تجارت بحری عرب مانند تجارت بری بوده است. کشتیهای عرب دریای مدیترانه را از انطاکیه تا جبل الطارق به سی و شش روز می‌پیمودند. انطاکیه معتبرترین بندر تجاری شام بود. شهر صور نیز بندر جنگی آن ولایت بشمار می‌رفت که کارگاههای کشتی سازی در آنجا بود و کشتی‌ها که به پیکار رومیانمی‌رتفند از صور بادبان می‌گرفتند.[۱۴]

جرجی زیدان درباره رونق تجارت بحری مسلمین می‌گوید کشتی‌های آنان سراسر مدیترانه و دریای سرخ و اقیانوس آرام را می‌پیمود و تا سوماترا و زنگبار و کافرستان و کلکته و جزایر هند و چین و ماداگاسکار و کرانه‌های افریقای شرقی و دریای خزر و روسیه آمد و شد می‌کردند.[۱۵] همچنین در قرن چهارم هجری تجار مسلمان از راه خشکی و دریا از کرانه خلیج فارس و افریقا و حبشه ویمن تا کرانه هند و چین تجارت می‌کردند و از خراسان و ترکستان و ارمنستان و افغانستان و شام ومصر و سودان و ممالک شمالی افریقا و اندلس، همه نوع مال التجاره حمل ونقل می‌نمود. وی در بخشی دیگر ازتحقیقات خود می‌نویسد: «مرکزبازرگانی شرق بصره و بغداد بود. کشتی‌ها به بصره و کاروان‌ها به بغداد می‌آمدند.»

تجار به لحاظ قومی‌ایرانی و رومی‌بودند و در این گروه یهودیان که بخشی از فعالیت تجاری آنان در صفحات قبل اشاره گردید، بیشترین نقش و عمکرد را داشتند. یهودیان افزودن بر تجارت، امور صرافی را عهده دار بوند و باستناد نظر جرجی زیدان صرافان که بیشترشان یهودی بودند. جزء بازرگانان محسوب می‌شدند.[۱۷] مشهورترین صرافیهای یهودی در بغداد یکی صرافخانه آل فخاس ودیگر صرافی آل عمران بوده است.[۱۸]

تجارت دریایی بدست سیرافیان انجام می‌گرفت.عدن وسیراف وعمان بزرگترین بنادر اسلامی درمنطقه اقیانوس هند بود، بصره وهرمز و دیبل(کنار مصب رود سند) در درجه دوم قرار داشتند. عدن یک پایگاه تجاری بزرگ بین افریقیه و مناطق عربی ومرکز تجارت بین هند و چین و مصر می‌شد ومقدسی آن را « دالان چین » نامیده است.[۱۹]

از تأثیرات مرکزیت تجاری سیراف اینکه زبان فارسی، رایج ترین زبان مورد تکلم تجار مسلمانی شد که قصد هند وخاور دور را داشتند.[۲۰]

در جهت مغرب تاجران مسلمان تا اسپانیا ونواحی افریقا ومغرب پیش رفتند. به باور «فلیپ حتی» دریای مدیترانه از لحاظ بازرگانی عرب اهمیت فوق العاده نداشت.[۲۱]

اما دریای مدیترانه برای تجار شامی اهمیت بسیار حیاتی وفوق العاده داشته است. بازرگانان عرب یمنی یا عمانی و حتی حجازی که غالباً با هند وچین در ارتباط بودند به اهمیت مدیترانه واقف نبوده و یا اگر اطلاعاتی درباره نقش واهمیت تجاری مدیترانه داشتند به علت عدم ارتباط دریایی نمی‌توانستند از آن بهره گیرند. البته «فلیپ حتی» دلایلی را مبنی بر بی اهمیتی تجارت در مدیترانه ذکر نکرده است. برخلاف نظر «فلیپ حتی»، گوستا ولوبن در مطالعات وتحقیقات خود درباره تجارت مسلمین با اروپا می‌نویسد:

« چون دریای مدیترانه در تصرف مسلمین بوده است لهذا در تمام بنادر افریقا واروپا از هرقبیل محصولات فلاحتی وصنعتی خود را از قبیل پنبه، زعفران، کاغذ، پارچه‌های حریر،غرناطه، پوست قرطبه، شمشیر طلیطله وارد می‌نمودند.»

دریای مدیترانه نه تنها یکی از مسیرهای تجاری مهم مسلمین ومشرق زمینان با اروپاست بلکه تنها راه تجاری دریایی بسیار مهم اروپا با مشرق زمین است. بازرگانی بین مسلمین واروپای مسیحی اغلب بوسیله یهودیان انجام می‌گرفت ورابطه مستقیمی بین آنها برقرار نبود.تجارت در دست یهودیان بود و در آن موقع یهودیان تنها بازرگانانی بودند که می‌توانستند آزادانه در دنیای اسلامی ومسیحی به تجارت بپردازند. کریمرز به استناد نظر ابن خرداد به می‌نویسد:

« بازرگانان یهود از جنوب فرانسه از طریق دریا به مصر می‌آمدند و بعضی از آنها نیز برای اهداف تجارتی به سوریه آمده واغلب از قسطنطنیه عبور می‌نمودند. بوسیله این بازرگانان کشورهای اسلامی محصولات اروپا را از قبیل ابریشم و اجناس ابریشمی(از روم

شرقی) خز،اسلحه و زره وارد می‌کردند این محصولات گاهی نیز از طریق روسیه وارد می‌شد. همین بازرگانان از کشورهای اسلامی‌مشک، کافور، دارچین و محصولات دیگری از این قبیل به اروپا می‌آوردند.[۲۲] »

۲- فعالیت تجاری مسلمین در حوضه غربی مدیترانه

تجارت در حوزه غربی مدیترانه همانند حوزه شرقی، از گستره وسیعی برخوردار بود. تجار اندلسی در نوار غربی مدیترانه طلیعه دار تجارت واقتصاد تجاری بودند. دامنه فعالیت‌های تجاری مسلمین در حوزه غربی در چند سو استمرار داشت: یکی تجارت با آفریقا ومصر و به تعبیر دیگر حوزه جنوبی مدیترانه، دیگری تجارت با شرق خصوصاً شام وبغداد وحتی از این طریق تا شرق دور وآخری تجارت با اروپا است که در این قسم تجار اندلسی به علت همجواری با سرزمین‌های اروپای غربی فعالیت بیشتری نسبت به سایر تجار داشتند. شاهراه تجاری مدیترانه در قرون دوم وسوم وچهارم وپنجم هجری در اداره وحاکمیت تجار مسلمان قرار داشت. اما این استیلای اقتصادی وسیاسی مانع فعالیت ومخل امنیت تجار یهودی ومسیحی نبود، بلکه بالعکس تجاریهودی، در فعالیت تجاری مدیترانه، در زمره تجار پیشرو و فعال معرفی شدند.

با تأسیس خلافت اموی در اندلس واستقرار مسلمین در این سرزمین، نبض فعالیت اقتصادی در عرصه زراعت صناعت وتجارت در اختیار مسلمین قرار گرفت. اشبیلیه یکی از بنادر مهم اندلس پنبه و روغن وزیتون صادر می‌کرد.[۲۳] تجار این شهر از مصر پارچه و نبده و از اروپا و آسیا کنیز وارد می‌کردند.

تجار اندلسی از شهرهای مالقه وجیان کالاهایی چون زعفران وانجیر وشکر ومرمر صادر می‌نمودند.[۲٤] دامنه فعالیت تجار اندلسی از طریق اسکندریه وقسطنطیه تا بازارهای هند واواسط آسیا توسعه یافت.[۲۵] در قلمر تجارت، صرفاً کالا نیست که مبادله می‌گردد بلکه انسان نیز بعنوان مهم ترین وکارسازترین عنصر، مبادله می‌گردید. بنا برنظر اندره میکل در راههای تجاری، برای رفع کمبود نیروی انسانی دستگاه خلافت ورویارویی با مسؤولیت‌های جهانی آنها از سه منبع عمده نیروی انسانی یعنی آسیای مرکزی، آفریقا واروپای صقلابی تجارت بنده صورت می‌گرفت.[۲٦]

این انسانها در کارهای سخت کشاورزی یا معدن، خدمات روزمره وارتش بکار گرفته می‌شدند.[۲۷] امویان قرطبه بنا به نظر میکل ۱۰ هزار بنده صقلابی داشتند.[۲۸]

طولونیان دارای سپاهی مشتمل بر ۲٤ هزار بنده ترک و٤۲ هزار آفریقایی بودند.[۲۹] وخلفای عباسی واموی وامویان اندلس نه تنها از بردگان در موارد یاد شده استفاده می‌کردند بلکه یک نوع مشخص از برده وجود داشت که دردربار خلفا دارای مرتبه ای بلند بودند.

صقالبه [۳۰] گروهی از بندگان هستند که در قصر خلفاء وامراء در قرن هشتم میلادی حضور داشتند. محمد عبدالله عنان می‌نویسد:

«بازار بردگان صقالبی در شرق در ایام‌هارون الرشید رونق فراوانی داشت زیرا که در این دوره جنگ‌های دولت عباسیان در اراضی دولت بیزانسی زیاد شده بود واین وضع در دوران مأمون به بالاترین حد خود رسید بطوریکه عواصم وثغور به بازار بزرگ خرید وفروش بردگان تبدیل گردید. سودهای فراوانی که در بعضی ازمواقع از این راه بدست می‌آید، عامل عمده ای در برپا شدن جنگ واستمرار آن از جانب حکام نواحی ومرزهای همجوار با دولت بیزانسی بوده است.[۳۱]»

امویان اندلس برای بردگی گرفتن صقالبه نقش عظیمی‌را ایفا نمودند. قصرهای امراء مملو از این نوع بردگان بوده است بخصوص در زمان عبدالناصربن حکم که شامل تمام جنسیتهای اروپایی می‌شد. خصوصاً آلمانی، آلبانی، لومباردی و روسی و فرانسوی که ابن حوقل در «صوره الارض» بدان اشاره نموده است. تجارت بردگان صقالبی غالباً توسط تجار یهودی صورت می‌گرفت واندلس نسبت به جلب وجذب آنها اقدام می‌نمود. در دربار امویان اندلس صقالبه اسلام آورده وزبان عربی را به آسانی فراگرفتندوحتی بعضی از آنها درسطوح بالا تربیت شده و در نظم ونثر به مرحله نبوغ رسیدند.تعداد صقالبه در روزگار عبدالرحمن ناصر(۳۰۰-۳۵۰ هـ) بیشتر از هر دوره دیگر بود و به حدود چهارده هزار نفر رسید. صقالبه در این دوره به ملک وضیاع رسیده وصاحب قدرت شدند وخلیفه الناصر وظایف مهمی‌را در امور لشکری وکشوری برعهده آنها نهاد وبزرگان عرب ورؤسای قبایل را مجبور به فرمانداری از آنها کرده بود.[۳۲] جای تعجب ندارد که با توصیف فوق، مرزهای دریای مدیترانه وجزایرش به مرکز بزرگی برای تجارت بنده، بخصوص در قرن نهم ودهم میلادی تبدیل شده باشد.

تجاری که در پس کسب غنایم بودند امواج دریا را پیموده و به سواحل کشورهای مسیحی بخصوص مرزهای ایتالیا وبیزانس یورش بودند و با غنایم و اسرای زیاد بازگشتند وبردگان را هزاران هزار به تجار مصر وشمال فروختند. درجنگ دریایی بین دریا نوردان وملاحان مسلمانان با بیزانس درسال ۹۰٤ میلادی در مرز سالونیک حدود پنجاه هزار واندی اسیرشدند. گسترش جنگ‌های دریایی وبدست آوردن برده موجب شد که طرف پیروز درجنگ، برای کسب سود بیشتر، بردگان را در بازار فروش عرضه نموده و یا در ازاء دریافت فدیه آنها را آزاد نمایند. افزون براین گسترش جنگ‌ها وافزایش مصیبت‌های آنها از اسارت تا آوارگی باعث گردید که تبادل اسراء رواج یابد. این امر زمینه انعقاد قراردادی را بین دو دولت عباسیان وبیزانس برای تبادل اسراء با یک سری شروط معین بوجود آورد.این قرارداد که معروف به «نظام فدی » بود در مواقف جنگ بکار گرفته می‌شد.

با فرض صحت آمارهای یاد شده حجم فعالیت‌های تجاری در جهان اسلام در مورد انسان بسیار زیاد است. تهیه وتأمین این تعداد برای بردگی وانتقال آنان به مراکز قدرت وخلافت (قرطبه، بغداد، قاهره وسوریه و...) تاجران زیادی راطلب می‌نماید. به موازات کثرت وسایل نقل وانتقال این بردگان جمعیت زیادی از تجار در سرزمین‌های اروپایی وآفریقایی در تلاش جهت بدست آوردن برده هستند. حضور در بازاربردگان وکنیزکان وانتقال آنها به پایانه‌ها صدورکالا نشانگر شبکه پیچیده وسنگین عملیات این تجارت است. تجارت برده یکی از مشاغل پر درآمد تجار یهودی درمدیترانه است. صبحی لبیب در مقاله ای با عنوان «سیاست‌های تجاری مصر در قرون وسطی» می‌نویسد، درمیان تجار یهودی گروهی به نام «رادیانیا» بودند که به تجارت در غرب اروپا، بیزانس وشرق دور از طریق مصر ودریای سرخ می‌پرداختند. از جمله کالاهایی که این گروه از تجار به آن علاقه نشان می‌دادند«برده» بوده است که از سرزمین‌های اسلاو در خاور نزدیک واسپانیای اسلامی‌وارد می‌کردند.[۳۳] کشف سکه در سرزمین بالتیک، تجارت پویا بین شرق و غرب از طریق رودخانه‌های روسیه ودریای بالتیک را نشان می‌دهد.[۳٤] رادیانیای یهود در این مسیر تجاری واسطه بین اروپا وشرق بودند. سفرهای آنها به آلمان و از آنجا به سرزمین اسلاوها، ایتالیا، پایتخت خزرها و اطراف دریای کاسپین وماوراء النهر و از آنجا به چین ادامه داشت.[۳۵]

افزون بر بردگان، تجارت بهایم در جهان اسلام مورد توجه است. درعصر عباسیان افزون برشتر یک کوهانه ودوکوهانه آسیای مرکزی که یکی تا منتهی الیه غربی امپراتوری اسلامی ودیگری به سوی جلگه‌های شمالی قفقاز وایران پیش رفتند. تجارت حیواناتی همچون اسب، گوسفند، گاو میش رواج یافت. اسب «ژنه» اسپانیایی از نژاد یالدار«نومیدی» و اسب نژاد سوری در سرزمین‌های نجد پرورش یافته و به اسب «عربی» تبدیل می‌شود والنهایه به کشورهای مدیترانه وهند صادر می‌گردید.

گوسفند از جمله حیواناتی است که به اسپانیا صادر می‌گردید. این گوسفند از نژاد مغربی بود که به آب وهوای اسپانیا عادت پیدا کرده وبعدها نژاد «مرینوس» از آن بوجود می‌آید آندره میکل می‌افزاید اصول وفنون پرورش گوسفند وهمچنین مجمع چوپانان مربوط به مؤسسه بزرگ چوپانی «مستا mesta » در اسپانیا شکل می‌گیرد.[۳۶] صادرات و واردات بذر گیاهان از غرب به شرق وبالعکس در سبد تجار قرار داشت. دشتهای حاصلخیز اسپانیا بسیاری از گیاهان را به خود جلب یا جذب می‌کرد.

درخت زردآلو، درخت آلوی دمشق واورشلیم، کنگر، کاهو، گل کلم، جعفری، چغندرقند، رازیانه،کرفس، خربزه، کدو، بادمجان و گل‌های تزئینی چون رز سفید دمشق، دسته گل هندی وگلهای فراوان دیگر، از شرق به غرب انتقال یافته و در دوره بسط وگسترش تمدن اسلامی درغرب، زمینه کشت وترویج محصولات مذکور بوجود آمد.[۳۷]

مضاف براین گندم شرقی در جنوب ایتالیا، گندم پرمغز مغرب که بربری‌ها در اسپانیا آن رابومی‌کردند از گیاهان وارداتی از شرق به غرب بود. خرما ونیشکر نیز در زمره گیاهانی است که درنتیجه انتقال به غرب کشت آن در اسپانیا و سیسیل رواج یافت.[۳۸]

بنادری چون المریا، اشبیله ومالقه حکم اتاقهای بازرگانی تهاتری را داشتند که درآنها واردات وصادرات دردست بازرگانان مسلمان ویهودی ومسیحی بود. یک بازرگان مسلمان ممکن بود نیل، پشم یا غلات را از یک همکار آفریقای شمالی خود خریده وابریشم اسپانیایی،الوار یا دخترانی آوازخوان را درعوض آن بفروشد. تاجری از مصرممکن بود با باری از کتان، مروارید و چوب سرخ (رنگ سرخ) وشاید بسته ای از داروهای شرقی بعنوان هدیه برای خانواده شریک اسپانیایی خود، از راه برسد، و در بازگشت به مصرشاید کاغذ، قرمز(یک رنگ سرخ دیگر) وزعفران اندلسی همراه خود به اسکندریه می‌برد.[۳۹]

تبادل کالا وحجم مبادلات ومعاملات تجاری در حوزه غربی مدیترانه با محوریت اندلس طی قرون دوم تا پنجم هجری درگسترده وسیع استمرار داشت.تجار اندلسی نه تنها در بنادر یاد شده به مبادله کالا مشغول بودند بلکه خود درنقاط دور دست جهان اسلام تجارت می‌نمودند.[۴۰] رشد وشکوفایی اقتصادی اسپانیای مسلمان رابطه منطقی واستواری با پویایی تجارت در قرون دوم تا پنجم هجری دارد. «ایرام لاپیدوس» در این زمینه می‌نویسد.:

«جامعه اسپانیایی –اسلامی‌نیز با برخورداری از تجارت شکوفای منطقه‌ای و بین المللی انسجام یافت. اندلس با مغرب تجارت می‌کرد، اقلامی‌چون چوب، زاج، آنتیمون (سنگ مرمر) وپارچه وارد واقلامی‌از قبیل پارچه ومس را صادر می‌کرد. اندلس با تونس با مصر تجارت داشت. پشم الیاف کتان ورنگ را که از طریق ایران، عربستان،هند وچین به مصرراه می‌یافت، وارد می‌کرد. مسلمانان اسپانیا با نواحی مسیحی نشین شمال که ثروت فزاینده و قدرت روز افزون دولت‌های جدید در آن بازارهای هرچه بزرگتری را ایجاد می‌کرد، روابط تجاری داشتند.»[۴۱]

حسان حلاق درکتاب خود تاریخ حضاره الاسلامیه اشاراتی در زمینه بهبود وضعیت زراعی وصنعتی شهرهایی چون مالقه، غرناطه دارد. واز کثرت میوه، خرید وفروش انگور دربازارها، خرماهای کمیاب، باغات انجیر وزیتون سخن به میان آورده است. همچنین در ادامه توضیحات خود اشاره ای به محصولات صنعتی شهر مالقه، درختان نارنج، انگور، انجیر وسایر میوه‌ها (که دراطراف مسجد کشت شده است) دارد. همینطور درخصوص زراعت وصناعت غرناطه مطالبی را نقل می‌نماید واذعان می‌دارد که محصولات شهرهای اندلسی توسط تجار به شرق صادر می‌گردید.[۴۲]

«اولیویا رمی‌کنستابل» در تحقیقات خود توجه ومطالعه به جمعیت تجار در اندلس نمود. وی ازسه گروه تاجر در عرصه تجاری غرب وشرق نام برده است.[۴۳] تجارمسلمان، تجار یهودی وتجار مسیحی، معیار طبقه بندی تجار در نظر کنستابل مذهب وجغرافیا بود.این سه گروه تجار، نقش فعالی در دگرگونیهای تجاری وگاه سیاسی درقرون متمادی در اندلس داشتند. تحولات سیاسی دراندلس می‌توانست فرصت‌های اقتصادی را دروجه غالب آن به یکی

از گروههای یاد شده بسپارد. در دوره مورد مطالعه، بازرگانان مسلمان گروه برتر را از نظر اقتصادی، سیاسی واجتماعی در تجارت اندلس تشکیل می‌داند. با این وضع، همزمان با آن بازرگانان یهودی در اسپانیا وشرق مدیترانه درحوزه بازرگانی اندلس عنصری مهم به حساب می‌آمدند.تجارت بین المللی اندلس تا زمان سلطه مسیحیت برابیریا توسط تجار مسلمان ویهودی اداره می‌گردید. برای تمیز فعالیت‌های تجاری محلی وبین المللی، بازرگانان بین المللی را با لفظ تجار بکار می‌بردند. در واقع تجار به بازرگانی اطلاق می‌شد که به تجارت راه دور در مقیاسی وسیع می‌پرداختند.[٤٤] ابوالفضل دمشقی سه طبقه عمده تجار را ذکرمی‌کند. طبقه اول خزان، یا ذخیره کننده عمده کالا،تاجری غیرمهاجر که وقتی کالا ارزان بود آن را انبار می‌کرد تا هنگام گران شدن کالا، آن بفروشد. طبقه دیگر رکاض که به سفرهای تجاری برای خودش می‌رفت و یا دراستخدام سومین طبقه بازرگانان بودند، سوم مجهز بود که صادرکننده و وارد کننده مقیم در یک محل بودند.

از این سه گروه به نظر می‌رسد مجهز در وسیعترین مقیاس به فعالیت می‌پرداخت و غالباً به عنوان سازمان دهنده مرکزی برای شبکه گسترده از شرکای سیار ومقیم درخارج عمل می‌کرد. [٤٥]

ماهیت کار تجارت به گونه ای است که نمی‌توان تجار را بدون ارتباط با سایر افراد فعال در عرصه تجارت تقسیم بندی نمود. یک تاجر برای خرید وفروش کالای مورد نظر با گروهها و یا افراد متعددی در پهنه وگستره جغرافیای بازرگانی درارتباط بود. تاجر بین المللی برای فروش کالاهای خود سخت نیازمند تجار محلی در وطن خود و یا منطقه دیگری بوده است.گرچه تقسیم بندی تجار به گروههای یاد شده در تحلیل وقایع ومیزان فعالیت افراد می‌تواند بسیار سودمند باشد اما بدان معنی نیست که این گروهها هیچ پیوند وارتباط کاری بایکدیگر ندارند. درکارتجارت تنها چیزی که مبنا قرار نمی‌گیرد اعتقادات دینی وتعصبات فرهنگی وملی است. تجارت مانند دانش مرز نمی‌شناسد. آنچه که می‌تواند این ارتباط را مخدوش نماید حس بی اعتمادی است که به علت نیرنگ یا تقلب وغش درمعامله دامنگیر تجار می‌گردد. اگر تجار در ابتدا تمایل به برقراری ارتباط و یا مشارکت درتجارت به تاجر هم دینی خود نشان می‌دهد ناشی از اعتقادات درونی وی است. اما اگر حس بی اعتمادی نسبت به هم کیش خود نیز بوجود آید ممکن است قطع رابطه نماید.شاید نظر کنستابل صحیح باشد که

منشاء مشارکت و فعالیت اجتماعی تجاردین بوده است.امام استمرار فعالیت وحس اعتماد به یکدیگر در روند فعل وانفعالات تجارت ممکن است خدشه پذیرگردد. وانگهی برای گروه دیگری از تجار دین مبنا قرار نمی‌گیرد بلکه جغرافیا وپیوند خویشاوندی عامل همگرایی ومشارکت پذیری آنان می‌گردد. کنستابل اذعان می‌دارد تجار اندلسی به دلیل هویت مشترک جغرافیایی به یکدیگر پیوند دارند.[٤٦]

در دوره مورد مطالعه گروه بندی تجار برپایان دین وجغرافیا بوده ورقابت تجاری همانطوریکه بیان گردید بین تجار مسلمان با سایرگروههای تجاری بوده است.این افتراق صرفاً در کارتجارت ومعامله نبود بلکه بنا برنظر کنستابل خطوط کشتیرانی تجارمسیحی از تجار مسلمان ویهودی جدابوده است. مسیرهای کشتیرانی مسیحی در امتداد سواحل شمالی مدیترانه واقع بود. در حالی که بازرگان دارالسلام خط مسیرهای جنوبی را ترجیح می‌دادند. گروههای تجار کالاهای یکسان را نیز حمل نمی‌کردند. اگرچه بیشتر تجار در قرون وسطی طیف وسیعی از کالاها را معامله می‌کردند.گاه گاهی از تجار کالاهای مشابه را حسب تقاضای دریافتی تجارت می‌کردند. مثلاً مسیحیان ومسلمانان تجارت الوار داشتند. افزون براین علی رغم ممنوعیت دینی مبنی برمعامله کالاهای مربوط به حمل ونقل دریایی با «مسلمانان، بردگان مسیحی ومسیحیان،بردگان مسلمان را خرید وفروش می‌کردند.»

با این وصف، بازرگانان مسلمان درتجارت اندلس یک گروه متمایز را تشکیل می‌دادند و این افراد علایق تجاری گوناگونی را دنبال می‌کردند وکالاهای متنوع شامل منسوجات، موادغذایی، ادویه، سنگ‌های قمیتی، پوست حیوانات کتابها وبردگان را معامله می‌کردند. ابن الفرضی می‌نویسد: برخی بعنوان طلبه تاجر به اندلس، یا از آن کشور به شرق سفر می‌کردند درحالی که دیگران برای مقاصد انحصاری تر تجاری می‌آمدند. عضی بازرگانان دارای اصل ایبریایی، وجویای منافع اقتصادی ومعنوی درخارج از کشور بودند، درحالیکه کسانی دیگر از سرزمین‌هایی در آفریقای شمالی وخاور نزدیک به بازارهای اندلس سرازیرمی‌شدند.[٤٧]

کنستابل دربررسیها وتحقیقات خود نتیجه می‌گیرد که جمعیت تاجر مسلمان دراسپانیای اسلامی‌در فاصله زمانی اواخر قرن ۳ق/۹م تا اواسط قرن ۷ ق/۱۳م یک الگوی زمانی مشترک از ترقی وتنازل را دنبال می‌کردند. وی خاطرنشان می‌سازد که در قرن پایان حکومت بنی امیه در قرطبه برای فعالیت تجاری دورانی پر رونق بود. در این زمان بازرگانان اندلسی با شرق

مدیترانه داد وستد می‌کردند و به قرار اطلاع یک کشتی بزرگ تجاری در سال۳٤٤ق/۹۵۵م به مصر اعزام شده ومملو از کالا از اسکندریه به اسپانیا بازگشت. گردآورندگان فرهنگهای زندگی نامه ای، ازجمله ابن فرضی، ابن بشکوال وابن ابار از چندین طلبه تاجر قرطبه ای نام بردند که در اواخر قرن ۳ق/۹م و قرن ٤ق/۱۰م در مشرق داد وستد می‌کردند.[٤٨] همچنین دراین گونه منابع درفاصله سالهای ٤١٤ق/۱۰۲۳م و ٤٣٢ق/۱۰٤۱م طلبه تاجرانی که به اسپانیای اسلامی‌وارد شدند ذکری به میان آمده است وابن بشکوال وضبی نام چندین طلبه –تاجر فعال در این دوره زمانی کوتاه را ثبت کردند. در صفحات گذشته شرحی از فعالیت تجاری مسلمانان اندلس در جغرافیای اسلامی‌آمده است اما موقعیت اسپانیا زمینه برقراری رابطه تجاری با سرزمین‌های مسیحی نشین را بوجودآورد به رغم تحریم‌های دینی مسلمانان در مورد داد وستد با سرزمین‌های غیراسلامی، بازرگانان مسلمان اندلسی در قرنهای ۵ق/۱۱م،٦ق/۱۲م و اوائل قرن۷ ق/۱۳م در بازارهای مسیحی سرگرم داد وستد بودند.۵ بی علاقگی مسلمانا به سفرهای تجاری اروپا با الگوهای کلی تر بازرگانی اسلامی‌هماهنگی دارد.

این بی علاقگی در شرایطی بروز می‌نماید که تجار یهودی ومسیحی آزادانه درتمام مناطق مدیترانه تجارت می‌کردند درحالی که تجار مسلمان حوزه فعالیت خود را به دارالاسلام محدود ساختند. ارتباط تجاری با مناطق مسیحی نشین در در اسپانیا یک استثناء براین قاعده بوده است.[٤٩] مع الوصف برتری وقدرت نسبی گروههای مختلف تجاری در بازرگانان اندلس در فاصله قرنهای٤ ق/۱۰م و ۷ق/۱۳م دستخوش تحولی آشکار شده کنستابل می‌نویسد: در دورانهای امویان، مرابطان وموحدان، تجارت بین المللی اندلس را بازرگانان مسلمان ویهودی، هم از اسپانیا و هم از سایرمناطق قلمرو اسلامی‌دراختیار خود گرفته بودند این تجار یاز از راه زمینی و یا از طریق مسیرهای جنوبی کشتیرانی درمدیترانه میان شرق وغرب مسافرت و غالباً شبکه‌های تجاری دقیقی را با هم کیشان خود در سراسرمغرب وخاور نزدیک حفظ می‌کردند... بازارهای جنوبی اسپانیا که در آنها این بازرگانان یهود مسلمانان به داد وستد می‌پرداختند، به صورت مراکز تجاری بین المللی عمل نموده ودریک گسترده وسیع کالاهای سراسرحوضه مدیترانه وماورای آن را خرید وفروش می‌کردند.[٥٠]

کنستابل در توضیح وضعیت تجارت در قرن پنجم هجری دراندلس می‌نویسد:« درسراسر قرن ۵ ق/۱۱م ونیمه اول قرن ٦ ق/۱۲م اندلس نقش یک واسطه وتوزیع کننده را درتجارت مدیترانه غربی ایفا می‌کرد.بازرگانان کالاهایی از قبیل منسوجات، نیل، فلفل وادویه‌های دیگر را از شرق به اسپانیای مسلمان می‌آوردند تا درمحل بفروشند یا درشمال مسیحی توزیع کنند. آنان محصوللاتی اندلسی مانند ابریشم،زعفران، روغن زیتون، چرم، مواد رنگ آمیزی وسایر اقلام وکالاهایی از نواحی شمالی تر بیشتر پوست وبرده را که جنوب و به درون بازارهای اندلسی آمده بود همراه می‌بردند. بنابراین یک تاجر قرن پنجم قمری/یازدهم میلادی ممکن بود از قاهره یا تونس به المریا آمده و محموله ای تجاری شامل دارچین، مروارید، گندم یا کتان آورده باشد. او پس از فروش این کالاها از سمت شرق باز می‌گشت وابریشم خام، زیره، کاغذ ومرجان به همراه می‌برد.[۵۱] » کنستابل در ادامه به تحولات پیش آمده در حوزه تجاری اندلس با ورود بازرگان مسیحی اشاره می‌کند واذعان می‌دارد که بازرگانان مسیحی می‌آمدند تا راههای تجاری غرب مدیترانه را تا اوایل قرن هفتم قمری/سیزدهم میلادی زیرسلطه خود درآورند. با گسترش قدرت دریایی مسیحیان درعصر جنگهای صلیبی، کشتیرانی مسیحی حق انحصاری برامن ترین وسریعترین مسیرهای مدیترانه ای را بدست آورد.درنتیجه از تعداد بازرگانان مسلمان فعال درتجارت اندلس در این دوران کاسته شد.[۵۲] بطوری که تا اواخر قرن ۷ق/۱۳م به نظر می‌رسد تجارت بین المللی ایبریا تا حد زیادی در اختیار گروه جدیدی از بازرگانان (بازرگانان مسیحی) بوده باشد. درغرنطه بنی نصر وقشتاله جنوبی، بازرگانان جنوایی بیشتر فعالیت تجاری را دراختیار داشتند. در شمال قشتاله طبقه ای از بازرگانان نو ظهور ازطریق بنادر اقیانوس اطلس تجارت را زیرسلطه خود درآوردند.کنستابل در اشاره ای کوتاه می‌نویسد:« درهمین زمان بازرگانان کاتالان سرگرم ایجاد یک امپراتوری تجاری مدیترانه ای به منظور رقابت با امپراتوری تجاری ایتالیاییها بودند.[۵۳] » در انتهای بحث تجاریت درحوضه غربی مدیترانه جدول صادرات و واردات کالا در حوزه تجاری اندلس بصورت جدولی تهیه شده است. این جدول حاصل مباحث صفحات پیشین است، که غالب روابط تجاری بازرگانان اندلسی با دارالاسلام بوده است.نوع کالاهایی که وارد ویا صادر می‌گردد نشانگر نیازهای هریک از واردکنندگان است.

.واردات اندلس	کشورهای صادرکننده
پارچه،برده، کتان،مروارید، چوب سرخ، داروهای شرقی،پشم،	مصر
الیاف کتان، رنگ	"
گوسفند، گندم پرمغز،چوب،زاج، آنتیمون (سنگ سرمه)، پارچه،	مغرب
درخت زردآلو،آلوی دمشقی،گل رز سفید دمشقی	دمشق واورشلیم
کنگر،کاهو، گل کلم،جعفری، چغندرقند،رازیانه، کرفس، خربزه،	شرق
کدو، کاهو، گل کلم، جعفری، چغندر، رازیانه، کرفس، خربزه،	"
کدو، بادمجان، دسته گل هندی، گندم شرقی، خرما، نیشکر، نیل،	آفریقای شمالی
پشم، غلات	اروپا وآسیا
کنیز، برده	مغرب ومشرق
مواد غذایی، ادویه، سنگهای قیمتی، پوست، حیوانات، کتاب	" "
منسوجات،فلفل، نیل	ساله ومراکش
غله	مصر، قسطنطنیه، هند، آسیا
زعفران، انجیر، مرمر، شکر	هند، کشورهای مدیترانه
اسب	شرق، مصر
ابریشم اسپانیایی، الوار،دخترآوازخوان، کاغذ، قرمز(رنگ سرخ)	مغرب، مصر.
پارچه،مس	شرق
میوه،انجیر، انگور، خرما، زیتون	مراکش، ساله
روغن اندلسی	شرق واروپا
برده مسیحی،الوار	شرق
روغن زیتون، چرم، مواد رنگ آمیزی، پوست	

در جدول از کالاهای صنعتی ویا تسلیحات نظامی چیزی دیده نمی‌شود.این مطلب حکایت از این دارد که نیازمندیهای جوامع اسلامی در قرون مورد مطالعه غالباً مواد خوراکی،پوشاک وتزئینی است. آیا می‌توان گفت که هریک از کشورها در حوضه مدیترانه در ساخت وسایل صنعتی ونظامی خودکفا بوده اند؟ گرچه پاسخ به این سؤال دشوار است اما اطلاعات موجود اشاره ای به این گونه توانمندیها ونیازها نمی‌کند. چگونه ممکن است که اسب بعنوان یک عنصر کلیدی در عرصه نظامی،اقتصادی، اداری و رفاهی وارد یا صادر گردد که به وضوح به

آن اشاره می‌شود اما از وسایل مورد نیاز برای تجهیز اسب سخنی در میان نیست. محققانی چون ایرام لاپیدوس، آندره میکل، سلمی‌خضراء جیوسی، کنستابل علی رغم دقت وریزبینی که در بررسی‌های خود داشتند مطالبی نیز دراین زمینه ارائه نداده اند. آنچه که می‌تواند ما را قانع سازد کمبود منابع واطلاعات در زمینه فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان است که این تحقیق سخت با آن روبرو است.

۳- نقش تجاری مسلمین در حوضه میانی وجنوبی مدیترانه

نقش دولت‌های کوچک شمال افریقا بجز اغالبه در فعالیتهای اقتصادی مدیترانه چشمگیرنبوده است زیرا مغرب وافریقا غالباً دربحرانهای سیاسی قرار داشتند و هریک از دولتها تلاش می‌نمودند که با بهره گیری از منابع اقتصادی موجود، به نیازهای خود پاسخ دهند. دولتهای بنی مدراری و بنی رستم وادریسیان اگرچه شکوفا نمودن اقتصاد کشاورزی ودامی‌شمال افریقا اهتمام ورزیدند اما نتوانستند درتجارت دریایی وایجاد نیروی دریایی تجاری به فعالیتهای گسترده بازرگانی دست بزنند. محدودیت قلمرو این دولت‌ها و آسیب پذیری آنها به لحاظ اختلافات داخلی وتهاجمات خارجی مانع بزرگی در موفقیت آنها در گسترش فعالیت‌های اقتصای درغرب وشرق مدیترانه بوده است.امام اغالبه به رغم

دولت‌های یاد شده، فعالیت‌های سیاسی واقتصادی دریایی را وجهه همت قرار داده وتوانستند برجزایر میانی استیلا یابند. سیاست غنیمت جویی اغالبه در مدیترانه هدف مهمی‌بود که اغلبیان علی رغم داشتن قدرت دریایی، درمدیترانه تعقیب می‌نمودند. تصرف سیسیل وجزایردیگر موقعیت جدیدی را برای مسلمین بوجود آورد. این موقعیت در دسترسی مسلمین به منابع ومنافع اقتصادی سیسیل حائز اهمیت بود که در صفحات آتی بدان اشاره می‌گردد. فسطاط پایتخت تجاری فاطمیان محسوب شده [۵۴] ومقدسی در قرن چهارم هجری درباطه فسطاط وعملیات تجاری آن می‌نویسد:[۵۵] «مرزمغرب وسرزمینهای عرب است، تجارتخانه ملتها وانبار مغرب و بارانداز مشرق است، تجارتخانه‌های شگفت وبازارها با درآمدهای نیکو دارد. و بندری پرکشتی تر از بندر آن نباشد.... همیشه میوه‌های شام ومغرب بدانجا می‌آید ومنافع ازعراقی ومشرق بدانجا کشیده می‌شود. کشتیها ا زچین و روم به آنجا می‌آیند، بازرگانی شگفت انگیز ودر آمد نیکو ودارایی بسیار دارد.»

استراتژی فاطمیان پس از استقرار درمصر معطوف به دو هدف بوده است.۱- رقابت با عباسیان ۲- اشاعه مذهب اسماعیلیه.برای تحقق دو هدف یاد شده تسلط برراههای تجاری، خصوصاً سیطره بر راههای تجاری به سوی هند که از فعالیت تجاری زیادی برخوردار بودند از شیوه‌های سیاسی واقتصادی فاطمیان است. همچنین دولت فاطمی‌دامنه فعالیت تجاری خود را جنوب اروپا و شمال افریقا وصقلیه و بیزانس درشمال گسترش داد.[۵۶]

ایمن فواد سید در تحقیقات خود به این نتیجه می‌رسد که فسطاط واسکندریه دو مرکز مهم توزیع تجارت فاطمیان بودند اسکندریه به عنوان مرکز توزیع در دریای متوسط وفسطاط بعنوان مرکز تجاری ومالی سرزمینها نقش سیستم عامل را در تجارت برعهده داشتند.شهر ساحلی اسکندریه با کلیه نواحی فسطاط ارتباط داشت وبعنوان وکیل تجاری برای کل منطق عمل می‌کرد ودر آن انواع کالاها وجود داشت.[۵۷] اهمیت تجاری فسطاط تا به این حد است که تجاری خارجی از اروپای مسیحی و بیزانس با هدف انجام تجارت در دریای متوسط وسواحل آن به شهر درآمد ورفت بودند و حتی گروهی از تجار خارجی به اسکندریه،دمیاط وتنیس نیز درتردد بودند.[۵۷] مهمتر از این تجار شهرآمالفی ایتالیا همراه کالاهای خود با تأسیس ساختمانی بنام «دامارتک» در فسطاط مقیم شدند.[۵۸] البته روابط تجاری و آمد ورفت تجار خارجی به شرق اسلامی‌مربوط به این دوره نیست بلکه دردوره‌های ماقبل فاطمیان وحتی بعد از آنان نیز این ارتباط برقرار بوده است.اما آنچه که حائز اهمیت است، کشور مصر درتجارت مدیترانه دربرقراری روابط بین غرب مسیحی با شرق دور بعنوان رابط اصلی عمل می‌کرد. صبحی لبیب درمقاله ای تحت عنوان«سیاست تجاری مصری‌ها در دوره میانه » به این مسئله مهم اشاره می‌نماید.وی در بخشی از مقاله می‌گوید تاریخ دنیای میانه با هند غربی بوسیله پیشرفتها، مناسبات مشترک ومواجه شدن با سه قدرت فرهنگی وسیاسی یعنی اسلام –بیزانس وغرب مسیحی تحکیم یافت.[۵۹] علی رغم نبردهای نظامی‌که بین این قدرتها بوجود آمد، روابط بازرگاین بین آنها متوقف نشد.

در غیاب تجار غربی، شرقیها جایگاهشان را گرفتند منابع غیرعربی نشان می‌دهند که بازرگانان یونانی وسوری بین قرون پنجم وهشتم میلادی برتجارت مدیترانه تسلط داشتند. آنهااروپای غربی را نه تنها با کالاهای شرق که از بیزانس انتقال می‌یافت، آشنا نمودند بلکه

کالاهای شرق دورمانند ادویه، خوار وبار، کتان خوب وکاغذ پاپیروس را به آنها معرفی نمودند. صبحی لبیب درمقاله خود می‌نویسد تا زمان تأسیس کارخانه کاغذ سازی (که به نظر می‌رسد احداث کارخانه در قرن دهم میلادی گسترش یافت.)[۶۰] مصرتهیه کننده اصلی پاپیروس بود. وی می‌گوید ما نمی‌توانیم هنوز بگوییم که چگونه تجارت شرق دور با غرب به وسیله بازرگانان مصری صورت می‌گرفت.[۶۱] برای بازرگانان یونانی وسوری ومارسیلی مهمترین مرکزفروش بود تا اینکه آنها موقعیت برترشان را درقرن هشتم میلادی از دست دادند. وجایشان را بهودیان که در زمینه تجارت مسافت‌های طولانی مهارت داشتند گرفته بودند.[۶۲] تجارت در دوره فاطمیان نه تنها با اروپای مسیحی، بیزانس وجزایر مدیترانه برقرار بود بلکه دولت فاطمی‌برای گسترش قلمرو تجاری واشاعه مذهب اسماعیلی با شرق دور ونیز با نواحی تحت قلمرو عباسیان ارتباط تجاری داشت.صبحی لبیب می‌نویسد تا سال ۹۶۹ میلادی مصر تقریباً یکی از استانهای خلافت عباسیان در بغداد بود، اما پس ازآن از سال ۸۶۸ میلادی تحت سلسله ای از حکمرانان مختلف مستقل شده بود و روابط بازرگانی خودش را با دارالاسلام ودارالحرب انجام می‌داد. در دوره فاطمیان (۱۱۷۱-۹۶۹ میلادی) مصرمرکز یک امپراتور جهانی بوده و حجم تجارتش گسترش یافته بود. ناوگان دولت وکشتی‌های اختصاصی مقامات عالی وبازرگانان خطوط تجاری را درمدیترانه وهمچنین سیسیل تقویت کرد. علی رغم رقابت مذهبی وسیاسی که بین قاهره وبغداد وجود داشت،اما روابط تجاری بین دو دولت بزرگ اسلامی‌قطع نشده است.[۶۳] گویتین در مقاله ای با عنوان « تجارت مدیترانه در قرن یازدهم میلادی: بعضی از واقعیت‌ها ومشکلات »[۶۴] درباره نحوه ومیزان وحجم مبادلات تجاری اروپائیان در مصر وکشورهای اسلامی‌حوضه مدیترانه توضیحاتی دارد و در این رابطه می‌گوید معمولاً تجار اروپایی به صورت گروهی سفر می‌کردند ودر شهرفسطاط بعضی از تجار رومی‌در منزل یکی ازدوستان یهودیشان برای کسب وکار اقامت نمودند.[۶۵] تماس اروپائیان با بازارهای محلی در تونس کاملاً محسوس بود. تولیدات صنعت نساجی رومی‌شدیداً مورد علاقه مردم درکشورهای اسلامی‌مدیترانه بوده است.[۶۶] عروس یهودی اصرار داشت که یک روسری رومی‌داشته باشد. این وضع در ۹۵۶ م در دمشق، یا قاهره قدیم در ۱۰۴۰ م،۱۰۵۰م،۱۰۶۷م وبعداً مطرح بود.[۶۷] عروسهای ثروتمند، تحت رومی‌که از پارچه‌های زربفت پوشیده بودو یا تختی که ازمواد قیمتی مشابه آن روکش داشت، می‌آوردند. قفسه

وصندوقهای رومی‌وتختخواب در زمره اثاثیه ایی هستند که در اسناد گنزه ذکر شده است. افزون بر رواج کالاهای رومی‌در سرزمینهای اسلامی‌گویتین می‌گوید که سیسیل و کرت به مصر پنیر صادر می‌کردند. یک کشتی از آمالفی کالاهای اصلی سیسیل وجنوب ایتالیا مانند عسل، پیله ابریشم را به اسکندریه می‌آورد.[٦٨]

فروشندگان شراب اروپایی در این شهر افراد برجسته بودند و تقریباً تولیدات کشورهای متبوعشان را انتقال می‌دادند. مرجان یکی از کالاهای صادراتی است از منطقه مدیترانه به کشورهای اقیانوس هند در زمان رومی‌ها، که بخشی از تونسی وبخش دیگری از سواحل اروپایی انتخاب گردید، صادر می‌شد. در این نوع تجارت هم تجار رومی‌وهم تجار یهودی تونسی سهیم بودند.[٦٩] تردد واقامات تجار مسیحی ویهودی درمصر وانجام معاملات بازرگانی ناشی از سیاست مدارا و تسامح فاطمیان است.فاطمیان این سیاست را نه تنها در عرصه اقتصادی داشته بلکه در امور اداری وکشور داری نیز بعضی از مناصب را به غیرمسلمانان واگذار می‌کردند. در نتیجه استمرار سیاست تسامح در فعالیتهای اقتصادی می‌توانست در رونق مبادلات تجاری وآمد ورفت بازرگانان از کشورهای مختلف مؤثر باشد. همچنین ممکن است در این دوره، تجار مسلمان هم درکشورهای مسیحی به راحتی اقامت داشته وتجارت نمایند.نکته مهم در مبادلات تجاری عصر فاطمیان این است که تجار نقش صادرکننده و وارد کننده را دارند. ناری بن نسیم تاجر قیروانی کسی بود که از سال ١٠٤٥ م ١٠٩٦ میلادی در مصر به فعالیت مشغول بود وی ٢٨٠ نوع کالا را تطبیق وحسابرسی کرد که از ١٢٠ نوع مختلف آن برای کالاهای تجار خارجی تعین شده بود. علاوه براین، تاجر قیروانی «بازرگان بانکدار» بود وقبول سفارش وتغییرپول وانجام اموردیگربانکی را برعهده داشت.[٧٠] گویتین درخصوص حجم ومیزان مبادلات تجاری بین مصر وکشورهای اروپایی در این دوره می‌گوید میزان انتقال پارچه،منسوجات،چرم خوب برای بسیاری از تجار مسئله اول اقتصادی بود. زیرا این کالاها تولیدات شرق بوده ودوباره از مصر صادر می‌گردید. محصولات شرقی که از مصرصادر می‌شدند.در چهار گروه تقسیم می‌گردند.[٧١]

١- ادویه جات شرقی مانند فلفل، دارچین، زنجبیل، قرنفل (میخک درختی) ٢- گیاهان خوشبو، عطریات وصمغ همانند عود، عنور، کافور، کندر، صمغ عربی چسب صمغ، مشک وبرگهای تنبول (پان)[٧٢] ٣- رنگ، جوهر مازو ومواد الکل یا لاک، مثل بقم یا دارپرنیان ٣، لاک

ونیل که در مصر در مقیاس زیادی رشد کرده بود(به خوبی وجوهر فلسطین) وبسیاری دیگر از مواد رنگی و جوهری که درقلمرو مدیترانه بطور طبیعی وجود داشت، همانند سماق وجوز تلخ که درسوریه وزعفران در تونس تولید می‌گردد. ٤- النهایه، موادی برای جواهر فروشی، سنگ‌های نسبتاً قیمتی، همانند مروارید، جواهر، عقیق، فیروزه، عقیق رنگارنگ وجوهر.

محصولات فلزی، شیمیایی ودارویی در سه گروه از انواع کالاهای تجاری مدیترانه که مشخص شدند طبقه بندی گردیدند.[۷۳] ۱- مس، آهن، سرب، جیوه وقلع که از سراسر اسپانیا ودیگر کشورهای اروپایی وارد می‌شد.درمدیترانه یهودیان تقریباً درتجارت آهن نقشی نداشتند،حال آنکه آنها در این گروه که از هند صادرمی‌گردید تعیین شدند. نقل وانتقال محصولات شیمیایی ودارویی از شرق به غرب ویا از غرب به شرق به موقعیت کشور یا منطقه شان وابسته بود.۲- مواد شیمیایی که بیشترین تجارت را داشت عبارت است از قلیا، زاج، سنگ سرمه، اکسید، چوب خیزران(نی هندی) کریستال (شیشه)،بوره نفتا، سلفور، نشاسته وگوگرد.۳- محصولات صنعت داروسازی که مختص یهوداست بسیاری از آن مشخص گردیده است.

تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد که در قرون ٤ تا ٦ هجری تجارت درحوضه مدیترانه از رشدخوبی برخوردار بوده است، هریک از دولتهای اسلامی‌موجود در حوضه مدیترانه نقش مؤثری در توسعه تجارت داشتند دراین زمان بیزانس وایتالیا نیز فعالیت تجاری چشمگیری از خود نشان دادند که بخشی از آن توسط گویتین طرح شده است.تجارت وصناعت وزراعت شمال افریقا در این عصر کاهش نیافت بلکه به نسبت به دوره استیلا بیزانس وامویان افزایش یافت.[۷٤] در عهد اغالبه وفاطمیان خطوط ممالک ومسالک برای عبور قافله از گذرگاههای صحرا به سوی سنگال ونیجر وسودان جهت بدست آوردن طلا، مشخص گردید. سجلماسه مرکزحکمرانی دولت رستمی‌که مدخل ورودی قوافل برای تجارت طلا بود در سال ۸۵۷ میلادی جدا گردید. در قرن دهم میلادی اعلام گردید که حاصل بدست آمده از تجارت سودان واطراف آن، تقریبا٤۰۰۰۰۰ دینار سنویا بود.[۷۵] نظر به اینکه طلای سودان یکی از محصولات بسیار مهم و رقابت انگیز بود تجار تمام مساعی خود را در جهت رسیدن به معدن طلا در این خطه بکار می‌گرفتند وشناسایی راههای ورود به مرکز طلای سودان بسیار حیاتی بوده است و به همین منظور سه راه برای ورود قافله‌ها به مرکز طلای سودان وجود داشت. راه اول از

سجلماسه به سوی سنگال و راه دوم که راه وسط بود از واحه وارقلان بسوی پایین رودخانه نیجر وراه سوم که در طرف شرق واقع بود از جدید آغاز وسپس طرابلس، مابه غدامس تامرکز سودان امتداد داشت.[۷۶] رستمیون در تافیللت تا نیمه قرن دهم میلادی بردو راه غربی استیلا داشتند.[۷۷] آنگاه جوهر صقلی فرمانده نظامی‌فاطمیان بر رستمیان غلبه یافت.[۷۸] بعد از سال ۹۵۸ میلادی تسلط بر این راهها به سوی جنوب(آفریقا) برعهده حکمرانان تونس قرار گرفت وهیچ گونه تعرضی نسبت به امورتجاری بوجود نیامد.[۷۹] وضع سرزمین مغرب از طریق خشکی وفزون خواهی از طلای سودان مانند وضع راه دریایی است ک در آن در کنار تجارت، رهزنی هم وجود دارد. واین وضع از ویژگیهای دوره میانه در دریای متوسط (مدیترانه) است. با این وصف شمال افریقا به لحاظ ثروت ورونق صنعت وتحکیم پایه‌های قدرت پیشرفت‌هایی را بدست آورد. به گونه ای که سکه دینار مغربی از طلا ضرب می‌گردد وخزانه مملو از طلا است واین حرکت از عملیاتهای مهم در دریای متوسط تا قرن یازدهم میلادی است.

نتیجه گیری

۱- مباحث مطروحه در این مقاله نشان می‌دهدکه فعالیت تجاری مسلمین در قرون اول ودوم هجری در حوضه شرقی مدیترانه، خصوصاً درعصر امویان رونق زیادی نداشته است وبیشتر فعالیت‌های خلافت و والیان روی مسائل سیاسی ونظامی‌متمرکز بوده است.

۲- باتوجه به موقعیت تجاری اندلس در اقتصاد مدیترانه، حجم مبادلات بازرگانی مسلمانان در حوضه غربی مدیترانه نسبت به حوضه شرقی بیشتر بوده است.تحقیقات صورت گرفته گواه آن است که تجار اندلس در سواحل مسلمان نشین مدیترانه ونیزسرزمین شام وحتی شرق دور به تبادل کالا مشغول بودند.افزون برگستره تجاری حوضه غربی تنوع کالاهای بازرگانی دراین حوضه بیشتراست.

۳- در میان دولت‌های اسلامی‌موجود در حوضه جنوبی مدیترانه، دولت فاطمیان بیشترین نقش اثر را درتوسعه فعالیت‌های بازرگانی مسلمین داشت. دولت فاطمی‌با بهره گیری از موقعیت‌های اقتصادی وتجاری حوضه جنوبی وتصرف شام واستیلا برجزایرمیانی مدیترانه، توانست نبض اقتصاد تجاری مدیترانه را به مدت بیش از دو قرن ونیم دراختیار داشته باشد.

٤- نقطه اوج فعالیت‌های تجاری مسلمین در حوضه مدیترانه وشرق دور، قرون چهارم وپنجم هجری است.به گونه ای که تجار شامی، اندلسی، مغربی وگاه ایرانی در سواحل طولانی مدیترانه به تبادل کالا مشغول بودند.

٥- تحقیق حاضر نشان می‌دهد که تجار یهودی ومسیحی، فعالیت بازرگانی چشمگیری در سرزمینهای اسلامی‌حوضه مدیترانه داشتند. وگستره فعالیت تجاری یهودی ومسیحی در عهد فاطمیان روبه فزونی نهاد ونیز در شهر فسطاط مرکز تجاری بنام «دارماتک» تأسیس نمودند.

٦- نظر به تعصب دینی مسلمین، عمده فعالیت تجاری مسلمانان در سرزمینهای اسلامی‌بوده وکمتر با دولت‌های مسیحی اروپا وشمال مدیترانه مراوده بازرگانی داشتند. به عبارت دیگر میزان فعالیت تجاری مسملین در سرزمینهای مسیحی نشین کمتر از میزان فعالیت یهودیان ومسیحیان در سرزمینهای اسلامی‌بوده است.

یادداشت‌ها

١- آدام متز، تمدن اسلامی‌درقرن چهارم هجری، ج ٢، ص ٥٠٧
٢- همان منبع
٣- مقدسی، احسن التقاسیم، ج ١، ص ٢٥٣
٤- مقدسی، همان منبع، ص ٥٤-٢٥٣
٥- همان منبع، ص ٢٥٤
٦- همان منبع، ص ٢١٧
٧- همان منبع، ص ٢٥٤
٨- جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام،ص ٩٠٢.
٩- آدام متز، ج ٢ ص ٥٠٨
١٠- همان منبع وصفحه
١١- فلیپ.ک. حتی،،شرق نزدیک درتاریخ،مترجم قمرآریان،بنگاه ترجمه ونشرکتاب،١٣٥٠، ص ٣٩٢
١٢- حسن،ابراهیم حسن،تاریخ سیاسی اسلام،مترجم ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ هشتم١٣٧٣،جلد دوم ص ٢٦٩.
١٣- همان منبع، جلد دوم، ص ٢٧٠

۱۴- حسن، ابراهیم حسن، همان منبع، جلد دوم، ص ۲۷۰

۱۵- جرجی زیدان، همان منبع، ص ۹۰۳.

۱۶- همان منبع ص ۹۰۳.

۱۷- همان منبع، ص ۹۰۳

۱۸- همان منبع، ص ۹۰۳

۱۹- همان، ص ۵٤۵

۲۰- تمدن اسلامی‌در قرن چهارم هجری، ج ۲ ص ٥٤٦

۲۱- تاریخ عرب، ٤٣٦

۲۲- گوستاولوبن، ص ٦٩٨

۲۳- سرتوماس، آرنولد،آلفرد کیوم،میراث اسلام یا آنچه مغرب زمین به ملل اسلام مدیون است، مترجم مصطفی علم، مقاله کریمز، با عنوان «جغرافیا وبازرگانی»، کتابفروشی مهر، بی تا، ص ۲۰۱

۲٤- فلیپ حتی، ص ٦٧٦

۲۵- همان، ص ٦٧٦-٦٧٧.

۲٦- همان، ص ٦٧٦

۲۷- آندره میکل، اسلام وتمدن اسلامی، مترجم حسن فروغی، انتشارات سمت،تهران ۱۳۸۱، جلداول، ص۱۹۳

۲۸- میکل ص ۱۹۳

۲۹- همان، ص ۱۹۳

۳۰- کلمه صقالبی در اصل براسیرانی که آلمان وبیزانس وفرانسه ازملیت‌های اسلاو می‌گرفتند و به عربها می‌فروختند اطلاق می‌شد اام این کلمه بعد مدتی برتمامی‌بیگانگانی که درقصر ودرلشکر مشغول به خدمت بودند و با هرنژادی که بودند اطلاق می‌گردید.(محمدعبدالله بن عنان، مؤلف حاسمه فی تاریخ اسلام، شرکه متناهمه المصریه، مصر، قاهره، ۱۹۵۲ – چاپ سوم ص ۲۰۰)

۳۱- محمد بن عبدالله بن عنان، مواقف حاسمه فی تاریخ اسلام ص ۲۰۰

۳۲- همان ص ۲۰۱

33- -M.A.COO k.Studies in The economic history of The middle.east. Newyork. Toronto. 1970.p.64

34- Ibid.p64

35- Ibid.p64

۳٦- آندره میکل، اسلام وتمدن اسلامی، جلد اول، ص ۱۹۳

۳۷- اسلام وتمدن اسلامی، ج اول، ص ۱۹۳

۳۸- همان ص ۹۷-۱۹٦

۳۹- سلمی‌خضرا، جیوسی، میراث اسپانیای مسلمان، گروه ترجمه زبانهای اروپایی، بیناد پژوهش‌های اسلامی‌استان قدس رضوی، ۱۳۸۰ ج دوم ص ۲۷٤

٤۰- سلمی‌خضرا، جیوسی، میراث اسپانیای مسلمان، جلد دوم، ص ۲۷۵

٤۱- ایرام لاپیدوس، تاریخ جوامع اسلامی، ج اول، صد ۵۰٤-۵۰۳

٤۲- حسان حلاق، دراسارت تاریخ الحضاره الاسلامیه، ص ۲۸۷.

٤۳- میراث اسپانیای مسلمان، ج ۲، ص ۲۷۵.

٤٤- میراث اسپانیای مسلمان، ج ۲، ص ۲۷۵-۲۷۹

٤۵- ابوالفضل جعفری دمشقی، الاشاره الی محاسن التجاره، ص ۷۵-۷۰.

٤٦- میراث اسپانیای مسلمان، ج ۲، ص ۲۷۷.

٤۷- ابن فرضی، تاریخ العلماء اندلس، ج ۱، ص ۱۱٦.

٤۸- . ضبی، بغیه الملتمس فی تاریخ رجال اهل الاندلس، تحقیق ابراهیم الابیاری، قاهره، دارالکتاب المصری، جزء اول ص ۲٤۸ و ۲٤۷

٤۹- ابن فرضی :تاریخ العلماء اندلس، ج ۱، ص ۱۱٦-۲۷۵-۱۱۷ و ج ۲،ص۶۰۹و۶۰۸-۶۰۵و۶۰۲

۵۰- سلمی‌خضراء، جیوسی، همان، جلد دوم، ص ۲۷۹.

۵۱- همان ص ۲۸۰

۵۲- ابن بشکوال، الصله، تحقیق ابراهیم الابیاری، قاهره -دارالکتاب مصری، جزثانی، ص ۷۵۹و ۷٤۸

۵۳- سلمی‌خضراء، جیوسی، ج ۲، ص ۲۷۸

۵٤- دوله فاطمیه فی مصر، ص ٤۸٤

۵۵- احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۲۸۰.

۵٦- دوله، فاطمیه فی مصر، ص ٤۸۷.

۵۷- همان جلد دوم، ص ٤۸۵

۵۸- همان، ص ٤۸۵

59- M.A.cook.studies in the economic history of the middle east.p 63
60- - I bid.p62
61- Ibid.p63
62- Ibid ,p64
63- M.A.cook.studeise in the economic history of the moddle east.p65
64- Ibid p66

65- Mediterranean tradein the eleventh century : sime facts and problems
66- I bid p54
67- Ibid p55
68- Ibid p55
69- Nahray ben nissim
70- Ibid p55
71- Ibid p56

۷۲- تنبول (betel) برگی باشد که درهندوستان پان گویند وبا اهک وفوفل خورند. لغت نامه دهخدا، جلد٤، ص ٦١٤٥

۷۳- - بقم «brazil wood» چوبی باشد سرخ که رنگ رزان بدان چیزها رنگ کنند. لغت نامه دهخدا ج۳ ص ٤٢٢٥٨

74- Mediteranean tradein the eleven century : some facts and problems

۷۵- - القوی البحریه والتجاریه فی حوض البحر المتوسط، ص ٢٥٤

۷٦- همان ص ٥٥ — ٢٥٤

۷۷- همان ص ٢٥٥

۷۸- همان ص ٢٥٨

۷۹- القوی البحریه والتجاریه فی حوض بحر المتوسط ص ٢٥٥

منابع ومآخذ

١- جمعی از نویسندگان، تاریخ اسلام ؛ ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات امیرکبیر،١٣٧٧

٢- گوستاولوبن، تاریخ اسلام وعرب؛ ترجمه محمد تقی فخرداعی گیلانی، تهران افراسیاب، ١٣٧٨

٣- متزآدام، تمدن اسلامی‌در قرن چهارم هجری ؛ ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر ١٣٦٤، چاپ دوم، ج ٢

٤- زیدان جرجی،تاریخ اسلام ؛ ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، ١٣٧٣،چاپ هشتم

٥- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان ومترجمان ایران، ١٣٦١.

٦- حتی، فلیپ.ک، شرق نزدیک درتاریخ ؛ ترجمه قمرآریان،تهران، بنگاه ترجمه ونشرکتاب، ١٣٥٠

٧- حسن ابراهیم، حسن، تاریخ سیاسی اسلام ؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران جاویدان، ١٣٧٣، چاپ هشتم، ج اول

٨- سرتوماس آرنولد، آلفرد کیوم، میراث اسلام یاآنچه مغرب زمین به ملل اسلام مدیون است؛ ترجمه مصطفی علم،«مقاله کریمز، باعنوان جغرافیا وبازرگانی»،تهران، کتابفروشی مهر، بی‌تا.

۹- حتی، فلیپ.ک،تاریخ عرب ؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگاه، ۱۳٦٦

۱۰- آندره،میکل، اسلام وتمدن اسلامی؛ ترجمه حسن فروغی،تهران: سمت، ج اول،۱۳۸۱

۱۱-محمد عبدالعربن عنان، مواقف حاسمه فی تاریخ اسلام، شرکة متناهمه المهریه، قاهره،چاپ سوم، ۱۹۵۲م.

۱۲- ابن حوقل النصیبی، ابوالقاسم، صورة الارض، لیدن، ۱۹۳۸م، الطبعه الثانیه.

13- M.A.cck.studies in the economic history of the middle east.newyok. Toronto. 1972.

۱٤- سلمی خضرا، جیوسی،میراث اسپانیای مسلمان،گروه ترجمه زبانهای اروپایی،مشهد بنیاد آستان قدس رضوی، ۱۳۷٦، ج ۲.

۱۵- لاپیدوس، آیرام،تاریخ جوامع اسلامی، از آغاز تا قرن ۱۸؛ ترجمه محمود رمضان زاده،مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷٦، ج ۲.

۱٦- حسان حلاق، دراسات تاریخ الحضاره الاسلامیه، دارالنهضه العربیه، بیروت: الطبعه الثانیه، بی‌تا

۱۷- ابوالفضل، جعفری دمشقی، الاشاره الی محاسن التجاره، تحقیق،البشری الشورعجبی، اسکندریه: مکتبه الکلیات الازهرا. ۱۹۷۷ م.

۱۸- ابن الفرضی، عبدالله بن محمد بن یوسف بن نصر،تاریخ العلماء اندلس: تحقیق ابراهیم الابیاری، قاهره: دارالکتاب المصری، ۱٤۱۰هـ الجزء الاول والثانی.

۱۹- ابن بشکوال، الصله، تحقیق ابراهیم الابیاری، قاهره:دارالکتاب مصری، جزءثانی ۱٤۱۰هـ

۲۰- ضبی، بغیه الملتمس فی تاریخ رجال اهل اندلس، تحقیق ابراهیم الابیاری، قاهره، دارالکتاب مصری، ۱٤۱۰هـ جزء اول.

۲۱- ابن الابار، ابوعبدالله محمدبن عبدالله بن ابی ابکر، التکلمه الکتاب الصله؛ تحقیق ابراهیم الابیاری، قاهره: دارالکتاب المصری، ۱٤۱۰هـ

۲۲- وردان لابن، تاریخ مملکه الاغالیه؛ تحقیق محمد زیغم، محمد عزب، قاهره: مکتبه مدبولی، ۱٤۰۸هـ

۲۳- لویس،راه ارشیبالد، القوی البحریه والتحاریه فی حوض البحرالمتوسط، ترجمه احمدمحمد عیسی، قاهره: مکتبه النهضه المصر. بی تا.

۲٤- فؤاد، سید ایمن دولة الفاطمیه فی مصر؛ الدار المصریه البنانیه ۱٤۲۰، الطبعه الثانیه.

25-M.A.cook.Mediterranean tradrin the eleven contury some facts and problems. London. 1970.